



# اقتصاد خرد

## (با رویکردی انتقادی بر اساس نگرش اسلامی)

دکتر محمدحسین کرمی و همکاران



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
تابستان ۱۳۹۶

کرمی، محمدحسین -  
اقتصاد خرد (با رویکردی انتقادی بر اساس نگرش اسلامی) / محمدحسین کرمی و همکاران. - قم: پژوهشگاه حوزه و  
دانشگاه، ۱۳۹۶.  
؟؟، ؟؟ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ؟؟؟: اقتصاد؛ ؟؟؟)  
ISBN: ؟؟؟؟  
بها: ؟؟؟؟ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه، ص. [؟؟؟] - ؟؟؟؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. ؟؟؟. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج. عنوان.  
؟؟؟  
شماره کتابشناسی ملی  
؟؟؟؟



اقتصاد خرد (با رویکردی انتقادی بر اساس نگرش اسلامی)  
مؤلفان: محمدحسین کرمی (استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) و همکاران  
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
صفحه‌آرایی: اعتصام  
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶  
تعداد: ؟؟؟ نسخه  
لیتوگرافی: سعیدی  
چاپ: قم-سبحان  
قیمت: ؟؟؟؟ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.  
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)  
نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵  
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰  
فروش اینترنتی: [www.ketab.ir/rihu](http://www.ketab.ir/rihu)      [info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)      [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع کمک درسی و حتی متن درسی در زمینه مباحث اقتصاد خرد برای دانشجویان رشته اقتصاد اسلامی در مقطع ارشد فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، آقایان محمدحسین کرمی و همکاران و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدکاظم رجایی و دستیار محترم این پژوهش، آقای سعید گودرزی سپاسگزاری کند.

چهار

## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	۱
مقدمه .....	۵
<b>بخش اول: مبانی و روش‌شناسی اقتصاد خرد .....</b>	<b>۱۰</b>
<b>فصل اول: تحلیل سیر تاریخی پیدایش اقتصاد خرد .....</b>	<b>۱۳</b>
دیدگاه‌های پیش از کلاسیک‌ها .....	۱۴
دیدگاه کلاسیک‌ها .....	۱۵
دیدگاه نئوکلاسیک‌ها .....	۱۷
خلاصه .....	۱۹
<b>فصل دوم: نظریه‌پردازی در اقتصاد خرد .....</b>	<b>۲۱</b>
نظریه‌پردازی در اقتصاد خرد متعارف .....	۲۱
مراحل شکل‌گیری نظریه .....	۲۱
نقش مفروضات در نظریه .....	۲۳
تفاوت مفروضات نظریات در جوامع و فرهنگ‌های مختلف .....	۲۳
نظریه‌پردازی در اقتصاد خرد اسلامی .....	۲۴
خلاصه .....	۲۶
<b>فصل سوم: منطق در رفتارهای اقتصادی خرد .....</b>	<b>۲۹</b>
منطق رفتارهای اقتصادی در اقتصاد خرد متعارف .....	۳۰
هدف کنشگران اقتصادی در اقتصاد خرد متعارف .....	۳۰
ارتباط پی‌جویی نفع شخصی با مطلوبیت .....	۳۱

پنج

۳۲	.....منطق در رفتارهای فردی اقتصادی مسلمانان
۳۴	.....هدف کنشگران اقتصادی مسلمان
۳۶	.....تحصیل منافع شخصی از نظر قرآن کریم
۳۸	.....محدودیت‌های تحصیل منافع شخصی
۴۱	.....تحصیل منافع برای دیگران از نظر قرآن کریم
۴۱	.....محدودیت‌های تحصیل منافع برای دیگران
۴۴	.....خلاصه

## بخش دوم: تقاضای مصرف کننده..... ۴۶

### فصل چهارم: نظریات متعارف تقاضا..... ۴۹

۴۹	.....۱. نظریه تقاضا بر اساس مطلوبیت نهایی
۵۳	.....بررسی منطق رفتاری این نظریه
۵۳	.....۲. نظریه تقاضا بر اساس منحنی‌های بی‌تفاوتی
۵۵	.....بررسی منطق رفتاری این نظریه
۵۸	.....۳. نظریه رجحان مؤکد (رجحان‌های اظهار شده)
۶۰	.....بررسی منطق رفتاری این نظریه
۶۲	.....۴. نظریه تقاضا بر اساس خصوصیت کالا
۶۵	.....بررسی منطق رفتاری این نظریه
۶۵	.....نقش و گستره مطلوبیت در نظریات تقاضا
۶۵	.....تفاوت مطلوبیت در نظریات مختلف تقاضا
۶۶	.....مطلوبیت و ارضای خواسته‌ها و تأمین نیازها
۶۷	.....مطلوبیت حال و آینده
۶۸	.....مطلوبیت ناشی از مصرف خود و دیگران
۷۱	.....خلاصه

### فصل پنجم: تقاضا در جامعه اسلامی..... ۷۳

۷۳	.....هدف و انگیزه در تقاضا
۷۴	.....۱. توازن میان هزینه‌های مربوط به دنیا و آخرت
۷۶	.....۲. بیشینه کردن رستگاری دنیا و آخرت
۷۷	.....۳. دستیابی به حداکثر مصلحت
۷۹	.....۴. اولویت‌بندی نیازها بر طبق رهنمودهای اسلام
۸۳	.....۵. بیشینه کردن مطلوبیت و محبوبیت نسبت به کالاها و خدمات به همراه بیشینه کردن رضایت خداوند
۸۶	.....۶. رفع نیاز از خود و دیگران در چارچوب عدل، احسان و کارایی

شش

۸۷	..... آثار رعایت عدل در رفتار تقاضاکنندگان مسلمان
۸۸	..... آثار رعایت کارایی در رفتار تقاضاکنندگان مسلمان
۸۸	..... آثار رعایت احسان در رفتار تقاضاکنندگان مسلمان
۸۹	..... چگونگی دستیابی به هدف
۹۱	..... محدودیت‌های تقاضاکننده
۹۴	..... خلاصه

**بخش سوم: عرضه** ..... ۹۶

**فصل ششم: عرضه در نظریات متعارف** ..... ۹۹

۱۰۰	..... پی‌جویی نفع شخصی در تولید
۱۰۱	..... بیشینه کردن سود
۱۰۱	..... منظور از سود
۱۰۳	..... بررسی توجیحات بیشینه کردن سود
۱۰۵	..... بررسی بیشینه کردن سود و پیامدهای آن در بازارهای مختلف
۱۰۵	..... بیشینه کردن سود در بازار رقابت کامل و پیامدهای آن
۱۰۸	..... بیشینه کردن سود در بازار انحصار کامل و پیامدهای آن
۱۱۰	..... بیشینه کردن سود در بازار رقابت انحصاری و پیامدهای آن
۱۱۱	..... بیشینه کردن سود در بازار انحصار چند جانبه و پیامدهای آن
۱۱۳	..... خلاصه

**فصل هفتم: عرضه در جامعه اسلامی** ..... ۱۱۵

۱۱۵	..... بررسی بیشینه‌سازی سود
۱۱۹	..... جایگزین‌هایی برای بیشینه‌سازی سود
۱۱۹	..... الف) بیشینه کردن مطلوبیت ناشی از سود و عمل صالح
۱۲۰	..... ب) کسب سود رضایت‌بخش
۱۲۱	..... ج) اولویت‌بندی تولیدات برحسب رفع نیازها
۱۲۲	..... د) بیشینه کردن محصول (تولید)
۱۲۳	..... ه) حداکثر کردن مطلوبیت دنیوی و اخروی
۱۲۴	..... و) بیشینه‌سازی سود مقید و مشروط
۱۲۷	..... تأثیر بیشینه‌سازی سود مقید به شروط اسلامی بر تولید کالاها و خدمات عمومی و خصوصی
۱۲۹	..... تأثیر بیشینه‌سازی سود مقید به شروط اسلامی بر کمینه کردن هزینه‌ها
۱۲۹	..... تأثیر بیشینه‌سازی سود مقید به شروط اسلامی بر عرضه‌کننده در تعامل با تقاضاکنندگان و صاحبان
۱۳۰	..... عوامل تولید
	..... تأثیر بیشینه‌سازی سود مقید به شروط اسلامی بر عرضه‌کننده در مواجهه با عرضه‌کنندگان دیگر

هفت

۱۳۲	.....
۱۳۲	..... هزینه‌های تولید
۱۳۲	..... میزان هزینه‌ها
۱۳۴	..... اقسام هزینه‌ها
۱۳۵	..... خلاصه

### بخش چهارم: بازار..... ۱۳۷

#### فصل هشتم: بازار کالاها و خدمات – بازار رقابت کامل..... ۱۴۱

۱۴۱	..... مفهوم رقابت و بازار رقابت کامل
۱۴۳	..... بازار رقابت کامل به‌عنوان الگو
۱۴۵	..... ضرورت و ویژگی‌های الگوی ایده‌آل
۱۴۶	..... شرایط، فروض و اهداف بازار رقابت کامل
۱۴۷	..... بازار رقابت کامل و الگوی ایده‌آل اقتصادی
۱۴۷	..... واقع‌بینی و توجه به حقایق
۱۵۰	..... ترسیم مسیر دستیابی به اهداف
۱۵۱	..... رتبه‌ای بودن اهداف
۱۵۱	..... بازار رقابت کامل از دیدگاه اقتصاددانان مسلمان
۱۵۳	..... خلاصه

#### فصل نهم: بازار کالاها و خدمات؛ بازار انحصار کامل..... ۱۵۵

۱۵۵	..... مفهوم انحصار و بازار انحصار کامل
۱۵۶	..... عوامل پیدایش انحصار
۱۵۶	..... موانع ناشی از اقدامات بنگاه‌ها
۱۵۷	..... موانع ناشی از اقدامات دولت
۱۵۷	..... موانع ناشی از انحصار طبیعی
۱۵۸	..... زیان‌های ناشی از انحصار
۱۶۰	..... کنترل انحصارگر
۱۶۰	..... انحصار از دیدگاه اقتصاددانان مسلمان
۱۶۱	..... انحصار و احتکار
۱۶۱	..... تعریف احتکار و شرایط تحقق آن
۱۶۳	..... شباهت‌ها و تفاوت‌های احتکار و انحصار
۱۶۴	..... دیدگاه اسلام در مورد زمینه‌های بروز انحصار
۱۶۷	..... تدابیر اسلام در مواجهه با انحصار
۱۶۷	..... نظارت درونی

هشت



۱۶۷	..... فعاليت انحصارگر مسلمان در نزديكي وضعيت رقابتي
۱۶۸	..... فعاليت انحصارگر مسلمان دقيقاً مانند وضعيت رقابتي
۱۶۹	..... ارزيابي دو ديده‌گاه
۱۶۹	..... نظارت بيروني
۱۷۱	..... خلاصه

۱۷۳	..... <b>فصل دهم: بازار کالاها و خدمات؛ بازار در جامعه اسلامي</b>
۱۷۳	..... بازار مطلوب در جامعه اسلامي
۱۷۴	..... سازوکار بازار در جامعه اسلامي
۱۷۹	..... تفاوت‌هاي بازار در جوامع اسلامي و سرمايه‌داري
۱۸۱	..... مقايسه بازار اسلامي و بازار رقابت کامل از حيث کارايي
۱۸۲	..... مقايسه بازار اسلامي و رقابت کامل از نظر سطح قيمت‌ها
۱۸۳	..... مقايسه بازار اسلامي و رقابت کامل از نظر رشد توليدات
۱۸۵	..... خلاصه

۱۸۷	..... <b>فصل يازدهم: بازار عوامل توليد</b>
۱۸۷	..... تقاضا براي عوامل توليد
۱۸۸	..... ميزان تقاضاي عوامل توليد از منظر اقتصاد خرد متعارف
۱۸۸	..... ميزان تقاضاي عوامل توليد از منظر اقتصاد اسلامي
۱۸۸	..... توجه ويژه به نيروي کار و دستمزد آن
۱۸۹	..... توجه ويژه به تأمين کالاها و خدمات ضروري جامعه
۱۹۰	..... مبناي تعيين قيمت هر عامل توليد از منظر اقتصاد خرد متعارف
۱۹۱	..... عوامل مؤثر در تقاضاي کل عامل توليدي
۱۹۲	..... عوامل مؤثر در عرضه کل عامل توليد
۱۹۲	..... بررسي عدالت به عنوان مبنايي در تعيين قيمت هر عامل توليد در اقتصاد اسلامي
۱۹۳	..... معناي عدالت
۱۹۴	..... بررسي عدالت به عنوان مبنايي براي تعيين قيمت عوامل يا پرداختي به صاحبان آنها
۱۹۵	..... حالت کوتاه‌مدت بدون فرض وجود نظام ارزشي اسلام
۱۹۷	..... حالت بلندمدت با فرض وجود نظام ارزشي اسلام
۱۹۹	..... عرضه نيروي کار
۱۹۹	..... عرضه نيروي کار در اقتصاد خرد متعارف
۲۰۲	..... عرضه نيروي کار در اقتصاد اسلامي
۲۰۳	..... نکاتي درباره تصميم‌گيري و گزينش‌هاي نيروي کار آخرت‌گرا
۲۰۳	..... رعايت احکام پنج‌گانه در خصوص نوع شغل
۲۰۳	..... توجه به نوع بازار نيروي کار

۲۰۴	اهمیت و گستره فعالیت‌های کاری نزد فرد آخرت‌گرا
۲۰۶	واجبات کفایی
۲۰۷	توجه به جوانب آخرتی کار و تقدم آن بر کسب درآمد و رفاه دنیایی
۲۰۹	اهمیت و گستره فعالیت‌های فراغتی نزد فرد آخرت‌گرا
۲۱۰	خلاصه

### بخش پنجم: تعادل عمومی و اقتصاد رفاه ..... ۲۱۳

۲۱۷	<b>فصل دوازدهم: تعادل عمومی</b>
۲۱۸	سازوکار تعادل عمومی
۲۱۹	بازارهای والراس
۲۲۰	بازار کالاهای مصرفی
۲۲۱	بازار خدمات‌های تولیدی
۲۲۱	بازار کالاهای مصرفی و خدمات‌های تولیدی
۲۲۲	تعادل در مبادله میان کالاهای مصرفی و خدمات‌های تولیدی
۲۲۳	تعادل عمومی والراس
۲۲۳	نقد و بررسی تعادل عمومی با نگرش اسلامی
۲۲۵	خلاصه

### فصل سیزدهم: اقتصاد رفاه ..... ۲۲۷

۲۲۸	رفاه اقتصادی
۲۲۸	مفهوم رفاه
۲۳۰	رابطه نیکبختی و لذت
۲۳۱	رابطه نیکبختی و رضایت‌خاطر
۲۳۲	جایگاه رفاه اقتصادی در مجموعه خواسته‌های انسان
۲۳۳	مصادق‌ها، شاخص‌ها و عامل‌های پدیدآورنده رفاه
۲۳۵	رفاه و تخصیص منابع و توزیع کالاها
۲۳۵	طرح مسئله
۲۳۷	فروض مهم بهینه پارتو
۲۳۸	بررسی فروض بهینه پارتو
۲۳۹	بررسی پیش‌فرض اول
۲۴۰	بررسی پیش‌فرض دوم
۲۴۱	بررسی پیش‌فرض سوم
۲۴۴	نگاهی کلی به عناصر اصلی و فروض بهینه پارتو

۲۴۷	..... نکاتی درباره نظریه رفاه
۲۵۰	..... معیارهای تخصیص و توزیع بهینه در اقتصاد رفاه
۲۵۲	..... خلاصه
۲۵۵	..... منابع و مآخذ



## پیشگفتار

در سال ۱۳۷۸ کتابی با عنوان درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی منتشر شد. از آنجا که در کتاب یادشده بسیاری از مباحث و سرفصل‌های اقتصاد خرد مطرح نشده بود و مباحث آن نیز به بازسازی و درج دیدگاه‌های تازه نیاز داشت؛ لذا گروه اقتصاد پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تصمیم گرفت کتاب دیگری را با عنوان اقتصاد خرد؛ با رویکردی انتقادی بر اساس نگرش اسلامی تهیه و تدوین کند که نه تنها فاقد نواقص بالا باشد؛ بلکه بتواند در سطح بالاتری در جامعه علمی اقتصاد استفاده شود. بر این اساس، کتابی که پیش رو دارید نسبت به کتاب منتشر شده قبلی مزایای ذیل را دارد:

### الف) مزایای کلی این کتاب

۱. طرح مباحث بیشتری در حوزه اقتصاد خرد و بازنگری کلی در مباحث گذشته؛ به نحوی که این کتاب، به استثنای چند مبحث، مانند نظریه بازی‌ها، بازارهای رقابت انحصاری و انحصار چند جانبه و اقتصاد اطلاعات، تقریباً همه عناوین دیگر اقتصاد خرد را پوشش می‌دهد؛
۲. در پایان هر فصل، خلاصه مطالب اضافه شده است. این خلاصه‌ها به نحوی تنظیم شده‌اند که چارچوب کلی مباحث هر فصل را با بیانی روان در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد؛
۳. منابع تا حدودی بروز رسانی شده است. ضمن آنکه منابع این کتاب، نسبت به تألیف گذشته افزایش یافته که این خود حاکی از رویه پژوهشی حاکم بر این تألیف است؛
۴. حدود ۳۰ درصد از مطالب کتاب پیشین به این کتاب منتقل شده است؛ از این‌رو برای ارج نهادن به تلاش مؤلفان کتاب پیشین، نام همه آنها در شناسه کتاب حاضر درج شده است.

## ب) مزایای هر یک از بخش‌های این کتاب

۱. بخش مبانی و روش‌شناسی اقتصاد خرد: در این بخش، فصلی تحت عنوان «تحلیل سیر تاریخی پیدایش اقتصاد خرد» افزوده شده است. مزیت این فصل آن است که خواننده را در مسیر شکل‌گیری نظریات اقتصاد خرد و چرایی ارائه چنین نظریاتی قرار می‌دهد و برخلاف بسیاری از کتاب‌های دیگر اقتصاد خرد، بدون مقدمه وارد بحث نمی‌شود؛ از این رو موجب سرگردانی خواننده نمی‌شود. از دیگر تغییرات عمده در این بخش، می‌توان به تغییرات اساسی در مباحث مربوط به منطق رفتار اقتصادی نیز اشاره کرد؛
۲. بخش تقاضای مصرف‌کننده: در این بخش با افزودن توضیحات و نمودارهای مناسب، سعی شده است نظریات تقاضا در اقتصاد متعارف به طرز بهتر و قابل فهم‌تری تبیین شوند و منطق رفتاری این نظریات نیز تا حد زیادی مورد بازنگری قرار گیرند. یکی دیگر از تغییرات این بخش، ارائه تحلیلی جامع در خصوص مطلوبیت ناشی از مصرف خود و دیگران است. در بحث تقاضا از دیدگاه اسلامی نیز ضمن اصلاح و غنا بخشیدن به مطالب گذشته، مطالب تازه‌ای نیز افزوده شده است؛
۳. بخش عرضه: در این بخش، مباحث مربوط به عرضه در اقتصاد متعارف با برخی تغییرات مطرح شده‌اند. در مبحث عرضه از دیدگاه اسلامی، نظریات اقتصاددانان مسلمان، تا حدود زیادی، بسط و تقویت شده و در انتهای این بخش، بحثی در خصوص هزینه‌های تولید از دیدگاه اسلامی افزوده شده است؛
۴. بخش بازار: در این بخش ضمن تغییرات قابل ملاحظه در بحث بازار رقابت کامل و ارزیابی آن به‌عنوان الگوی ایده‌آل اقتصادی، مباحث مربوط به بازار انحصار کامل و بازار عوامل تولید نیز، به انضمام ملاحظات اسلامی مربوط به آنها به‌طور تفصیلی اضافه شده‌اند. شایان ذکر است که از این دو عنوان مهم در تألیف قبلی بحثی به میان نیامده بود. بحث بازار در جامعه اسلامی نیز با تغییرات گسترده نسبت به تألیف گذشته و اضافه کردن مطالب جدید، بازنگری اساسی شده است؛
۵. بخش تعادل عمومی و اقتصاد رفاه: در ابتدای این بخش، بحث تعادل عمومی که نقش مهمی در مباحث اقتصاد خرد دارد، افزوده شده است. در مباحث اقتصاد رفاه نیز افزون‌بر تغییرات و اضافات بسیاری در مباحث مربوط به بهینه پارتو و رفاه اقتصادی، مباحثی که به‌طور عمده به بخش عمومی مربوط می‌شود حذف شده است.

### پیشگفتار ۳

شایان ذکر است که این کتاب هرچند درصدد کشف و ارائه مبانی و اصولی است که دورنمایی از اقتصاد خرد اسلامی را نمایان سازد و بتوان با آنها رفتار اقتصادی در جوامع اسلامی و سرمایه‌داری را مقایسه کرد، اما اذعان دارد که گام‌های ابتدایی در این زمینه را بر می‌دارد. با این همه، به نظر می‌رسد این کتاب در حال حاضر، بتواند تا حدودی خلأ منبع و حتی متن درسی اقتصاد خرد اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی را برطرف کند. امید است استادان و محققان ارجمند اقتصاد در حوزه و دانشگاه با بهره‌مند ساختن پژوهشگاه از پیشنهادها و انتقادات خود، زمینه غنی‌تر ساختن مباحث کتاب را فراهم کنند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه





## مقدمه

بر اساس دیدگاه متعارف، مسئله اقتصادی جامعه که اقتصاد خرد به آن می‌پردازد این است که اولاً منابع کمیاب باید به تولید چه کالاها و خدماتی اختصاص یابد و چقدر از هر یک از این کالاها و خدمات تولید شود؛ ثانیاً کالاها و خدمات تولید شده چگونه و چقدر باید میان افراد توزیع شود. در اقتصاد خرد ابتدا تنها مسئله اول، یعنی تخصیص بهینه منابع کمیاب برای خواسته‌های نامحدود بشر مطرح بود. تنها بحث مطرح در این زمینه، این بود که گزینش‌های اقتصادی افراد و نگاه‌ها چگونه به تخصیص منابع کمیاب برای خواسته‌های نامحدود افراد جامعه می‌انجامد؛ اما توزیع بحثی ارزشی و خارج از حوزه علم اقتصاد قلمداد می‌شد که بیان آن بر عهده مکاتب و نظام‌های اقتصادی بود. به مرور زمان اقتصاددانان به این نکته پی بردند که مسئله تخصیص را نمی‌توان از مسئله توزیع جدا و به تنهایی از آن بحث کرد؛ بلکه برای پاسخ به مسائل اصلی اقتصاد خرد، این دو مسئله باید به‌طور هم‌زمان مورد بحث قرار گیرند.<sup>۱</sup>

در مسئله تخصیص، اساس اقتصاد خرد کنونی بر این است که اگر عوامل فردی اقتصاد مانند عرضه و تقاضاکنندگان کالاها و خدمات و نیز عوامل تولید به حال خود رها شوند و جز در مواردی اندک، دولت در امور آنان دخالت نکند، اقتصاد خود به خود به تخصیص بهینه می‌انجامد. این تخصیص با شکل‌گیری سازوکار قیمت و بر اساس مقادیر و قیمت‌های تعادلی صورت می‌پذیرد. با وجود رابطه نزدیک میان سازوکار قیمت و تخصیص بهینه، مهم‌ترین و برجسته‌ترین عنصری که در اقتصاد خرد به چشم می‌خورد، چگونگی تعیین قیمت کالاها و

---

1. Layard; Walters, *Microeconomic Theory*, p. 18.

خدمات و نیز عوامل تولید است و به همین دلیل، موضوع مورد مطالعه در اقتصاد خرد به «نظریه قیمت‌ها» شهرت یافته است.

در مسئله توزیع، اکنون اقتصاددانان درباره دو نوع توزیع سخن می‌گویند؛ یک نوع آن از درون تخصیص یادشده بیرون می‌آید. هنگامی که منابع اقتصادی به تولید کالاها و خدمات اختصاص داده می‌شوند، عوامل و بنگاه‌هایی به این تخصیص مبادرت می‌ورزند؛ از این رو آنان خود را در محصولات تولید شده سهیم می‌دانند و به دیگر سخن محصولات میان آنان توزیع می‌شود. این توزیع را که می‌توان توزیع کارکردی نام گذاشت، در اقتصاد خرد کنونی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نوع دیگر توزیع از درون تخصیص نمی‌جوشد؛ بلکه مربوط به قبل از تخصیص و یا بعد از آن است. هر امکاناتی که به عوامل و بنگاه‌ها قبل از تخصیص منابع اقتصادی داده شود به این دسته از توزیع مربوط است. از سوی دیگر هر محصولی که میان پدیدآورندگان آن توزیع شده باشد، اگر دوباره میان افراد دیگری با هدیه و بخشش، از طریق مالیات و مانند آن توزیع شود، این توزیع نیز به این دسته مربوط است. از چنین توزیعی به‌طور مفصل در اقتصاد بخش عمومی سخن گفته می‌شود؛ اما از آنجا که اقتصاد متعارف مسئله تخصیص را از مسئله توزیع جدا نمی‌داند، در اقتصاد خرد به‌طور کلی از ارتباط میان این نوع توزیع با تخصیص بهینه نیز سخن به میان می‌آید.

گرایش‌های اعتقادی مختلف می‌توانند در چگونگی تخصیص و توزیع تأثیر داشته باشند؛ از این رو کنشگران اقتصادی مسلمان و غیرمسلمان در پاره‌ای از امور مربوط به تخصیص و توزیع با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت موجب می‌شود که نظریات مربوط به آنها نیز متفاوت شود. به‌طور کلی می‌توان گفت علم اقتصاد، به خصوص اقتصاد خرد، همانند علوم انسانی دیگر درباره بخشی از کنش‌ها و واکنش‌های انسان سخن می‌گوید. این کنش‌ها و واکنش‌ها، ارادی، آگاهانه و هدفمند هستند. انسان در رفتارهای اقتصادی خود، آگاهانه هدفی را در نظر می‌گیرد و برای نیل به آن، شیوه و کنش مناسب را بر می‌گزیند.

هر گزینش اقتصادی با در نظر گرفتن چند هدف پیاپی انجام می‌گیرد. این اهداف به‌طور زنجیره‌ای به هم مرتبطند. یکی از اهداف، هدف نهایی و یکی دیگر هدف ابتدایی است و اهداف دیگر واسطه‌ای هستند که هر یک برای نیل به هدف دیگری مورد توجه قرار می‌گیرند. برای نمونه می‌توان به یک رفتار اقتصادی مانند تقاضا اشاره کرد. هدف ابتدایی تقاضاکننده از تقاضای یک وعده غذا، رفع گرسنگی است که خود می‌تواند به انگیزه ترمیم و تقویت قوای

جسمی انجام گیرد و تقویت قوا نیز ممکن است به منظور کسب توانایی برای مطالعه و تعلیم و تعلم انجام پذیرد و... .

بدیهی است هر یک از حلقه‌های اهداف زنجیره‌ای، در گزینش نوع و مقدار و کیفیت حلقه‌های قبل از آن و در نهایت، در رفتاری که شخص برای نیل به هدف برمی‌گزیند تأثیر می‌گذارد. غذایی که یک ورزشکار صرفاً به منظور تقویت جسمی تقاضا می‌کند، متفاوت با غذایی است که یک سیاستمدار صرفاً به منظور تقویت ذهن تقاضا می‌کند و غذای هر یک از آنان متفاوت با غذای مورد تقاضای شخصی است که افزون بر اهداف یادشده، تقرب به خدا را نیز می‌جوید. در این صورت، او در انتخاب نوع، مقدار و شیوه گزینش، به پرهیز از محرمات و عمل به واجبات نیز توجه دارد.

با توجه به این بیان می‌توان گفت که اگر سلسله اهداف و شیوه نیل به آنها در همه انسان‌ها یکسان باشد، در موارد مختلف رفتار یکسانی از همه آنان سر می‌زند؛ اما اگر اهداف و شیوه‌ها متفاوت باشند، در بسیاری از موارد، رفتار افراد با یکدیگر متفاوت خواهد بود. در این تفاوت، اهداف نهایی و مواردی که در انتهای زنجیره اهداف قرار دارند، اهمیت بیشتری دارند؛ از این‌رو، بسیار اتفاق می‌افتد که افرادی در اهداف ابتدایی مشترکند، اما از آنجا که در اهداف نهایی اختلاف دارند، کنش‌های متفاوتی از آنان بروز می‌کند.

هر مجموعه‌ای از افراد که دارای رفتارهای اقتصادی مشابهی باشند، نظریه واحدی می‌تواند رفتار آنان را تبیین کند؛ پس اگر همه انسان‌ها دارای اهداف مشترکی باشند و دست به رفتار یکسانی بزنند، یک علم اقتصاد برای تبیین رفتار همه آنان کافی خواهد بود؛ اما اگر انسان‌ها به مجموعه‌های متفاوتی تقسیم شوند که رفتارهای متمایزی از یکدیگر داشته باشند، هر یک نیاز به علم اقتصاد جداگانه‌ای خواهند داشت. از میان مکاتب اعتقادی، دسته‌ای هدف نهایی فعالیت‌های انسانی را تنها دستیابی به مواهب، لذایذ، خوشی‌ها و کمالات دنیوی می‌دانند. آنان خواه از لحاظ نظری معتقد به خدا و جهان واپسین باشند و خواه نباشند، به سعادت‌ی فراتر از آنچه در دنیای خاکی به دست می‌آید نمی‌اندیشند. آنان اگر به ادیان الهی نیز گرایش داشته باشند، آن را تنها برای دنیای خود می‌خواهند. مسلماً انسانی که چنین هدفی را تعقیب می‌کند، کنش‌های اقتصادی متناسب با آن را بر می‌گزیند، کنش‌هایی که غایتشان کسب رفاه بیشتر در دنیاست. اینان روشی را نیز بر می‌گزینند که آنان را هرچه سریع‌تر به آمال و آرزوهای دنیایی برساند؛ از این‌رو از رهنمودهای الهی بی‌بهره می‌مانند و معمولاً از ادیان الهی گریزانند؛ زیرا ادیان الهی مقاصدی فراتر از عالم خاکی را می‌جویند.

دسته دیگر کاملاً در مقابل گروه اول قرار دارند و معتقد به اهدافی فراتر از دنیای مادی هستند. آنان جهان آخرت را باور کرده‌اند و کمال انسانی را در تقرب به خداوند می‌جویند. این آرمان در رفتار اقتصادی آنان تأثیر بسزایی دارد. پیروان ادیان الهی، اگر در عمل نیز خداجو باشند، همه وقت خود را صرف دنیا و تحصیل منافع دنیوی نمی‌کنند، بلکه تنها بخشی از آن را که مقدمه‌ای برای تحصیل کمالات انسانی است به این امر اختصاص می‌دهند. اینان در گزینش‌های اقتصادی تنها به منافع خویش نمی‌اندیشند، بلکه منافع عموم انسان‌ها و به خصوص مسلمانان نیازمند را در نظر می‌گیرند. بدیهی است چنین افرادی برای نیل به اهداف انسانی خویش از رهنمودهای دینی بی‌نیاز نیستند. اهداف جاودانه انسانی و راه دستیابی به آنها آنقدر پیچیده و مشکل است که عقل و تجربه انسانی از فهم کامل آنها ناتوان است.

با توجه به آنچه گفته شد آشکار است که تحلیل‌های اقتصاد خرد نمی‌تواند برای همه جوامع انسانی یکسان باشد. آیا اقتصادی که رفتار جامعه دنیاطلب را تبیین می‌کند با اقتصاد مربوط به جامعه جاودانه‌جو یکسان است؟ آیا اقتصاد خردی که پیش‌فرض اساسی‌اش بیشینه‌سازی سود و مطلوبیت دنیوی است برای افراد جامعه‌ای که در رفتارشان منافع دیگران را نیز در نظر می‌گیرند کفایت می‌کند؟ آیا علم اقتصادی که عقلانیت صرف و زدودن دین از فعالیت‌های اقتصادی را مبنای گزینش‌های خود قرار می‌دهد، می‌تواند به بررسی رفتار یک جامعه دینی بپردازد؟

پاسخ به این سؤالات وظیفه پژوهشگران اسلام‌شناس را دوچندان می‌کند؛ زیرا آنان مورد سؤال قرار می‌گیرند که اگر جامعه دینی علم اقتصادی مختص به خود را می‌طلبد و اگر می‌تواند با توجه به اهداف، بینش‌ها، آرمان‌ها و رهنمودهای دینی، علم اقتصاد نوینی بنا نهاد، پس چرا تاکنون چنین علمی ارائه نشده است.

از دیر زمان، افراد و مؤسسه‌هایی دغدغه ارائه علوم انسانی متناسب با جامعه اسلامی را داشته‌اند و تاکنون نیز در این راستا گام‌های بزرگ و ارزشمندی برداشته‌اند، اما سختی کار موجب شده است تا این تلاش‌ها به حد کمال نرسد؛ زیرا برای ارائه چنین علمی ابتدا لازم است پیش‌فرض‌های ارزشی و راهبردی متناسب با هر علمی، از منابع اسلامی جمع‌آوری و تدوین شود. یکی از این پیش‌فرض‌ها، بیان سلسله اهدافی است که هر مسلمان در هر کنشی تعقیب می‌کند و دیگری تأثیری است که اهداف بر هر کنش دارند و سوم شیوه‌ای است که او برای تشخیص مطابقت کنش با هدف در پیش می‌گیرد. پیش‌فرض‌هایی از این قبیل فراوانند و به چند مورد یادشده ختم نمی‌شوند.

این کتاب گام‌های اولیه را برای تدوین اقتصاد خردی متناسب با جامعه اسلامی بر می‌دارد و در این باره نیز ادعا ندارد که همه مقدمات و زمینه‌های لازم این کار را یافته و فراهم کرده است؛ اما به هر حال می‌تواند برای پژوهشگران و مدرسان اقتصاد اسلامی و دانشجویانی که درس اقتصاد خرد اسلامی را می‌گذرانند بسیار مفید و راهگشا باشد.

مقدمات و زمینه‌های یادشده دو نوع هستند: یک دسته مربوط به کل اقتصاد خرد و دسته دیگر مربوط به هر یک از بخش‌های آن است. مباحث این کتاب نیز از پنج بخش و یک مقدمه تشکیل شده است: بخش اول که از کلیاتی درباره اقتصاد خرد سخن می‌گوید، سه فصل دارد. در فصل اول، سیر تاریخی پیدایش اقتصاد خرد تحلیلی ارائه می‌شود؛ در فصل دوم، نظریه‌پردازی در اقتصاد خرد بررسی می‌شود؛ در فصل سوم نیز ابتدا منطق در رفتارهای اقتصادی خرد متعارف و سپس منطقی متناسب با رفتار در جامعه اسلامی ارائه می‌شود؛ در بخش‌های دوم تا پنجم از زمینه‌های مربوط به مباحث خاص اقتصاد خرد اسلامی و متعارف سخن به میان می‌آید و از این رهگذر، عرضه و تقاضا، بازار کالا و خدمات، بازار عوامل تولید، به خصوص نیروی کار، تعادل عمومی و اقتصاد رفاه بررسی می‌شوند.

بخش اول

مبانی و روش‌شناسی اقتصاد خرد

تخصیص بهینه با شکل‌گیری سازوکار قیمت و بر اساس مقادیر و قیمت‌های تعادلی صورت می‌پذیرد. با وجود رابطه نزدیک میان سازوکار قیمت و تخصیص بهینه، مهم‌ترین عنصری که در دیدگاه‌های مربوط به اقتصاد خرد به چشم می‌خورد، تعیین قیمت است و به همین دلیل موضوع مورد بحث در اقتصاد خرد به «نظریه قیمت‌ها» شهرت یافته است؛ از این‌رو برای آگاهی از مبانی و ارزش‌های نهفته در این علم لازم است به صورت تحلیلی سیر تکاملی نظریه قیمت از آغاز شکل‌گیری آن تا به حال مرور شود.

این بخش از سه فصل تشکیل می‌شود: در فصل اول، نظریه ارزش و قیمت، که مبدأ پیدایش اقتصاد خرد است، از نظر تاریخی تجزیه و تحلیل قرار می‌شود. این سیر تاریخی بیان می‌کند که چگونه اقتصاددانان به فکر نظریه‌پردازی درباره قیمت و ارزش افتادند. آنان برای چنین نظریه‌پردازی نیازمند به اصول و ضوابطی بودند که از آنها در فصل دوم سخن گفته می‌شود. یکی از اصول مهم نظریه‌پردازی این است که هر نظریه می‌تواند مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی باشد. پیش‌فرض‌ها به دلیل اهمیت، به طور جداگانه در فصل سوم بحث می‌شوند.





## فصل اول

### تحلیل سیر تاریخی پیدایش اقتصاد خرد

اقتصاد خرد در سیر تاریخی خود به مبحث ارزش و قیمت باز می‌گردد. ارزش و قیمت از دیرباز در کانون توجه اقتصاددانان قرار داشته و از منظرهای مختلف بحث شده است. هدف اصلی از بیان تحلیلی سیر تاریخی نظریه قیمت در اینجا، مشخص کردن این جنبه روش‌شناختی است که مبحث ارزش و قیمت در دیدگاه اقتصاددانان از ابتدا تاکنون، بحثی هنجاری بوده است یا اثباتی؟ با بررسی سیر تاریخی این نتیجه حاصل می‌شود که اقتصاددانان قدیم نگرشی هنجاری و اقتصاددانان جدید نگرشی اثباتی به این مسئله داشته‌اند. با وجود برخی از اشاره‌های اثباتی به ارزش و قیمت در اندیشه طبیعت‌گرایان و سوداگرایان، شاید بتوان سنگ بنای نگرش اثباتی به این مسئله را که در نهایت منجر به پیدایش اقتصاد خرد شد، هم‌زمان با پایه‌گذاری مکتب کلاسیک توسط آدام اسمیت در نیمه دوم قرن هجدهم دانست.<sup>۱</sup> آدام اسمیت با ارائه نظریه «دست نامرئی» و تأکید بر قیمت بازاری کوشید اقتصاد را آن‌گونه که هست و نه آن‌گونه که باید باشد مطالعه کند. هرچند اقتصاددانان پس از اسمیت به دیدگاه او ایرادهایی داشتند؛ اما رویکرد اثباتی را پررنگ‌تر از قبل مطرح کرده‌اند. برای تحلیل سیر تاریخی این نظریه، در ادامه دیدگاه اقتصاددانان درباره ارزش و قیمت در سه مرحله پیش از کلاسیک، کلاسیک و نئوکلاسیک، بحث می‌شود.

---

۱. شاکری، «مروری تاریخی بر روند شکل‌گیری نظریه‌های اقتصاد کلان»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۳، ص ۷۰.

## دیدگاه‌های پیش از کلاسیک‌ها

نخستین دیدگاه اقتصادی درباره ارزش را می‌توان به ارسطو نسبت داد. وی ارزش مصرفی<sup>۱</sup> را از ارزش مبادله‌ای<sup>۲</sup> تفکیک کرده است. ارزش مصرفی به فایده و ارزش کالا نزد مصرف‌کننده و ارزش مبادله‌ای به قیمت کالاها و خدمات در مبادله اشاره دارد. شاید بتوان گفت ارزش مبادله‌ای، از زمان پیدایش نظام اقتصاد شبانی خانگی پدید آمده است. این نظام از جوامع اولیه تا پیدایش مسیحیت استمرار داشته است. ارزش مبادله‌ای می‌تواند به صورت هنجاری (قیمتی که در آن قیمت مبادله توصیه می‌شود) یا اثباتی (قیمتی که در بازار تعیین می‌شود، صرف نظر از اینکه مبادله در آن قیمت توصیه می‌شود یا نه) مطرح شود.

قیمت مبادله‌ای را می‌توان برحسب عناصر تأثیرگذار بر آن مورد بحث قرار داد. در این باره نظرات مختلف را می‌توان در سه دسته جای داد: یک نظر، عنصر اصلی و تأثیرگذار در قیمت مبادله‌ای را هزینه‌های تولید می‌داند؛ دیدگاه دیگر در این باره بر عنصر تقاضا تمرکز یافته است و دیدگاه سوم هزینه‌های تولید را به همراه تقاضا در تعیین قیمت مبادله‌ای مؤثر می‌داند.

یکی از دیدگاه‌های قدیمی که صرفاً نگرشی هنجاری به ارزش مبادله‌ای دارد، نظریه قیمت عادلانه مکتب اسکولاستیک<sup>۵</sup> است. «بر اساس این نظریه، قیمت عادلانه، قیمتی است که هزینه تولید را بپوشاند و در عین حال در بردارنده سودی باشد که زندگی متعارف تولیدکننده یا فروشنده را تأمین کند».<sup>۶</sup> این دیدگاه، بر عادلانه بودن قیمت، که حاکی از هنجاری بودن است تأکید دارد و عنصر تعیین‌کننده این قیمت عادلانه را تنها هزینه‌های صرف شده برای تولید معرفی می‌کند.

دیدگاه دیگر، که آن نیز بر عدالت، معنویت و هنجارها تأکید دارد، نگرش کانونیست‌ها<sup>۷</sup> به ارزش مبادله‌ای است. بر اساس این نگرش، ارزش یک کالا برابر با مجموع هزینه‌هایی از قبیل تهیه

1. Use value.

2. Exchange value.

۳. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۱۹؛ دادگر، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، ص ۳۹۲.

۴. نمازی، همان، ص ۵۶.

5. Scholastic.

۶. نمازی، همان، ص ۲۰-۲۱.

۷. معتقدان به قانون شرع، یعنی قانون کلیسای کاتولیک که در رم قدیم مورد عمل بوده است.

مواد اولیه و نیروی کار است که برای تولید آن صرف شده، تا آن را به صورت کالایی قابل مبادله درآورده است؛ از این رو مبادله کالا با چیزی بیش از این هزینه‌ها، غیراخلاقی و ناعادلانه است.<sup>۱</sup> با ظهور مکتب سوداگری، نظریه «ارزش بر مبنای بهای متعارف» جایگزین نظریات پیشین شد. این نظریه، ارزش مصرفی و مقوله کمیابی را در کنار بخش عرضه در تعیین ارزش مبادله‌ای وارد کرد.<sup>۲</sup> سوداگران برای در نظر گرفتن طرف تقاضا در نظریه ارزش، به تمایل تقاضاکنندگان برای خرید یک کالا، بیش از قیمت بازاری آن استدلال می‌کردند،<sup>۳</sup> اما برخی این تغییر رویه را ناشی از آن می‌دانند که سود تجار در تأمین نیازهای مصرف‌کنندگان نهفته است.<sup>۴</sup> به هر صورت، تعیین ارزش و قیمت در این دیدگاه برخلاف دیدگاه‌های قبل از آن، مبنایی واقعی پیدا کرد و تعیین قیمت کالا به عواملی مستند شد که همگی تحقق عینی دارند؛ بر این اساس در نظریه سوداگران جرقه یک نظریه اثباتی درباره ارزش و قیمت زده شد. با وقوع انقلاب صنعتی و تغییرات فنی مطلوب در شیوه‌های تولید، نظریه ارزش بار دیگر دچار تغییراتی شد؛ به نحوی که «از اواخر قرن هفدهم به ویژه در انگلستان، بار دیگر گرایش به سوی نظریات قدیمی تعیین ارزش، یعنی هزینه تولید مطرح شد».<sup>۵</sup> در این دوره که به نقش نیروی کار در ایجاد ارزش اهمیت ویژه داده می‌شد، دوباره به جنبه هنجاری قیمت توجه شد.

## دیدگاه کلاسیک‌ها

اسمیت که بنیان‌گذار مکتب کلاسیک است، درباره تعیین ارزش و قیمت، در مواردی دیدگاهی شبیه به دیدگاه‌های پیش از خود و در مواردی دیدگاهی کاملاً متفاوت با آنها دارد. وی در نظریه قیمت خود، که سرافاف<sup>۶</sup> آن را «تئوری افزوده‌ها» نامیده است،<sup>۷</sup> دو نوع قیمت را از هم تفکیک می‌کند: «۱. قیمت طبیعی کالا که برابر با ارزش مبادله‌ای آن است و بنابراین بر مبنای هزینه تولید تعیین می‌شود؛ ۲. قیمت بازار که بر اساس عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد ... اسمیت

۱. سبحانی، نگرشی بر تئوری ارزش، ص ۱۶. ۲. دادگر، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، ص ۱۸۶.

۳. سبحانی، نگرشی بر تئوری ارزش، ص ۱۸؛ به نقل از: میک، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ص ۱۴.

۴. سبحانی، همان، ص ۱۹. ۵. همان، ص ۲۰.

6. Sraffa, Piero.

۷. داب، تئوری‌های ارزش و توزیع از زمان آدام اسمیت، ص ۶۲.

معتقد است که به وسیله تأثیر قانون عرضه و تقاضا، قیمت بازار تمایل دارد با قیمت طبیعی انطباق پیدا کند.<sup>۱</sup>

اسمیت ضمن تفکیک ارزش مبادله‌ای از ارزش مصرفی، کار را مقیاس حقیقی ارزش طبیعی یا مبادله‌ای همه کالاها می‌داند<sup>۲</sup> و «در مراحل اقتصادی پیشرفته، سرمایه و زمین را نیز در کنار نیروی کار انسانی به‌عنوان سه عامل تولید می‌شناسد».<sup>۳</sup> وی قیمت طبیعی یا مبادله‌ای کالاها را حاصل جمع نرخ‌های متوسط دستمزد، سود و اجاره معرفی می‌کند<sup>۴</sup> و شرایط عمومی جامعه از قبیل ثروت، فقر، پیشرفت و مانند آن را در تعیین این نرخ‌های متوسط مؤثر می‌داند. افزون بر این، بر تأثیر ویژگی‌های هر شغل بر نرخ متوسط دستمزد و سود و موقعیت زمین و حاصلخیزی آن را بر نرخ متوسط اجاره تأکید می‌کند.<sup>۵</sup> به نظر او در چنین قیمت طبیعی یا مبادله‌ای «کالا دقیقاً به قیمتی فروش می‌رود که می‌ارزد و یا به قیمتی عرضه می‌شود که حقیقتاً برای کسی که آن را به بازار می‌آورد، تمام شده است».<sup>۶</sup> وی چنین قیمتی را عادلانه می‌نامد؛<sup>۷</sup> عادلانه بودن آن نشان از این است که قیمت طبیعی نزد اسمیت یک قیمت هنجاری و ارزشی است.

از نظر اسمیت، قیمت بازاری یا قیمت واقعی، «متناسب با مقداری از آن کالا که واقعاً به بازار عرضه می‌شود و مقدار تقاضای کسانی که حاضرند قیمت طبیعی آن را بپردازند، تعیین می‌گردد».<sup>۸</sup> در نظریه اسمیت، قیمت‌های بازاری قیمت‌های تحقق یافته‌ای هستند که در بازار با سازوکار عرضه و تقاضا تعیین می‌شوند و تحت تأثیر دستی نامرئی به سمت قیمت طبیعی میل می‌کنند. قیمت بازاری جنبه اثباتی دارد و با چنین سازوکاری، مسئله تعیین قیمت به‌طور شفاف به عرصه اقتصاد اثباتی وارد می‌شود.

دیوید ریکاردو،<sup>۹</sup> دیگر چهره سرشناس مکتب کلاسیک، در دیدگاه هنجاری خود، مقدار

۱. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۲۸.

۲. اسمیت، ثروت ملل، ص ۲۹.

۳. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۲۸.

۴. سبحانی، نگرشی بر تئوری ارزش، ص ۵۱؛ به نقل از ریست و ژید، تاریخ عقاید اقتصادی، ص ۱۲۰.

۵. سبحانی، همان، ص ۵۰-۵۱؛ داب، تئوری‌های ارزش و توزیع از زمان آدام اسمیت، ص ۵۸.

۶. سبحانی، همان، ص ۵۱؛ به نقل از اسمیت، ثروت ملل، ص ۴۸.

۷. سبحانی، همان‌جا؛ به نقل از ریست و ژید، تاریخ عقاید اقتصادی، ص ۱۲۰.

۸. سبحانی، همان، ص ۵۲.

9. Ricardo, David.

کار لازم برای تولید کالا را تنها عنصر تعیین‌کننده ارزش مبادله‌ای می‌داند.<sup>۱</sup> وی برخلاف اسمیت، اجاره و سرمایه را از اجزای ارزش مبادله‌ای به شمار نمی‌آورد.<sup>۲</sup> ریکاردو درباره قیمت بازاری، که دیدگاه اثباتی او را نشان می‌دهد، معتقد است «یک کالا در بازار اجباراً بر اساس ارزشش مبادله نمی‌شود، بلکه مبادله تحت تأثیر قانون عرضه و تقاضا انجام می‌شود».<sup>۳</sup> وی تفاوت قیمت مبادله‌ای و قیمت بازاری را ناشی از تفاوت کالاها در نسبت سرمایه به کار می‌داند. با این تفاوت، نسبت‌های پیش‌بینی شده برای قیمت‌ها با آنچه در واقعیت مشهود است تفاوت دارد، اما این تفاوت، اندک و بی‌اهمیت است.<sup>۴</sup>

دیدگاه استوارت میل،<sup>۵</sup> یکی دیگر از اقتصاددانان مشهور کلاسیک نیز در خصوص تعیین قیمت بازاری و قیمت طبیعی، به نظریه قیمت اسمیت باز می‌گردد.<sup>۶</sup> به گفته میل، «تقاضا و عرضه همیشه به سوی تعادل می‌شتابند، اما حالت تعادل پایدار آن است که کالاها برحسب هزینه تولیدشان با یکدیگر مبادله شوند؛ یا به تعبیری که ما به کار برده‌ایم، زمانی که قیمت کالاها به اندازه ارزش طبیعی‌شان باشند».<sup>۷</sup>

### دیدگاه نئوکلاسیک‌ها

نظریه ارزش با شکل‌گیری عقاید نئوکلاسیک‌ها هرچند وارد مرحله جدیدی شد؛ اما روش اثباتی آن با شدت بیشتر ادامه یافت. نئوکلاسیک‌ها، که از نظر اصول و مبانی، میراث‌دار کلاسیک‌ها بودند، اصل مطلوبیت را جایگزین نظریه ارزش-کار کردند. به عبارت دیگر، برخلاف کلاسیک‌ها که عامل تعیین ارزش و قیمت را طرف عرضه می‌دانستند، نئوکلاسیک‌ها این عامل را در طرف تقاضا جستجو می‌کردند.<sup>۸</sup> اقتصاددانان کلاسیک معتقد بودند که مطلوبیت حاصل از مصرف یک کالا (یعنی همان ارزش مصرفی) هیچ نقشی در تعیین ارزش و

۱. ریکاردو، اصول اقتصاد سیاسی و مالیات‌ستانی، ص ۶۶-۶۷.

۲. هانت، تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی، ص ۱۳۰.

۳. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۳۲.

۴. هانت، تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی، ص ۱۳۶.

5. Stvart Mill, John.

۶. داب، تئوری‌های ارزش و توزیع از زمان آدام اسمیت، ص ۱۵۷.

۷. همان، ص ۱۵۸. ۸. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۳۹.

قیمت آن کالا در مبادلات ندارد؛ اما نئوکلاسیک‌ها بر نقش مهم ارزش مصرفی در تعیین ارزش مبادله‌ای تأکید می‌کردند.<sup>۱</sup> شاید علت این تغییر نگرش، تأثیرپذیری نئوکلاسیک‌ها از فلسفه لذت و رنج بنتام باشد.<sup>۲</sup>

جونز، یکی از بنیان‌گذاران این مکتب معتقد است که «هزینه تولید، عرضه کالا را تعیین می‌کند؛ [افزایش یا کاهش] عرضه کالا بر مطلوبیت نهایی تأثیرگذار است و مطلوبیت نهایی ارزش مبادله یا قیمت را مشخص می‌کند».<sup>۳</sup> به این ترتیب، نقش کار و هزینه تولید در تعیین ارزش، نقشی غیرمستقیم است و آنچه ارزش مبادله و در نتیجه قیمت کالا را تعیین می‌کند، مطلوبیت نهایی است.

آلفرد مارشال،<sup>۴</sup> یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک، «بین نظریه ارزش بر اساس کار، که یادگار کلاسیک‌ها بود و نظریه ارزش بر مبنای مطلوبیت، که از ابداعات نهائون محسوب می‌شود، تلفیقی به عمل آورد».<sup>۵</sup> وی «همانند جونز و منگر، قانون کاهش مطلوبیت نهایی را به‌عنوان یک فرض در تحلیل‌های خویش وارد کرد»<sup>۶</sup>، اما «برخلاف سران نهایی‌گرا، نقش واقعی [و نه غیرمستقیم] هزینه تولید را نیز در کنار نقش ذهنی مطلوبیت در ترسیم ارزش مورد تأکید قرار داد».<sup>۷</sup>

مارشال برای تعیین ارزش کالا، هزینه و مطلوبیت را به دو تیغه قیچی تشبیه کرد که کار برش را انجام می‌دهند.<sup>۸</sup> در بیان مارشال، هیچ بحثی در مورد عادلانه بودن و جنبه هنجاری ارزش و قیمت مطرح نیست؛ بلکه وی در حقیقت تأثیر عملی و واقعی مطلوبیت مصرف‌کننده و هزینه تولید را در تعیین قیمت بررسی کرد و تنها به بیان یک روش اثباتی در تعیین قیمت پرداخت.

۱. سبحانی، نگرشی بر تئوری ارزش، ص ۱۴۳.

۲. همان، ص ۱۴۳؛ به نقل از رابینسون، فلسفه اقتصادی، ص ۶۷.

3. Jevons, *The Theory of Political Economy*, p. 165.

4. Marshall, Alfred.

۵. سبحانی، نگرشی بر تئوری ارزش، ص ۱۴۸. ۶. همان، ص ۱۵۰.

۷. دادگر، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، ص ۳۹۷.

۸. نمازی، نظام‌های اقتصادی، ص ۴۰.